

## جمهوری آذربایجان؛ فرصت‌ها و تهدیدها

عادلی/خبرگزاری آران

محمدزاده

فقدان استراتژی اجرایی در خصوص جمهوری آذربایجان در طول سالهای اخیر باعث شده کشوری که می‌توانست به عنوان یک فرصت برای تحکیم موقعیت ایران در قفقاز باشد، بر اثر بی‌توجهی و اقدامات جزیره‌ای به تهدید بالقوه علیه ایران تبدیل شود.

امروزه دولتها علیرغم اهمیت پیدا کردن سازمانها و نهادهای بین‌المللی هنوز هم بعنوان مهمترین بازیگران نظام بین‌المللی محسوب می‌شوند، رویدادهای مهم جهان توسط دولتها شکل می‌گیرد و بیشترین نفوذ و تاثیرگذاری را در عرصه نظام بین‌المللی ایفا می‌کنند. لذا دولتها در ایجاد و گسترش روابط خود در نظام بین‌المللی تلاش می‌کنند ابتدا روابط خود را با سایر دولتهای موثر افزایش دهند.

لازمه ارتباط با دیگر بازیگران بین‌المللی مخصوصا بازیگران حوزه پیرامونی، شناخت ماهیت و پتانسیل آنها است.

جمهوری اسلامی ایران بدلیل آن که در یکی از مناطق پنجگانه استراتژیک جهان واقع شده و همچنین به لحاظ اهداف، علایق، منافع جهانی و نیز چالشها و تهدیدات موجود، جزو کشورهایی است که به شدت نیازمند شناخت کشورهای پیرامونی خویش و دیگر کشورهای مهم بازیگر صحنه نظام بین‌الملل هستند.

یکی از کشورهای پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان است که به لحاظ جغرافیایی، تاریخی، دینی، فرهنگی، زبانی و ... دارای اشتراکات زیادی با کشورمان می‌باشد و همین وجوه مشترک بستر مناسبی را برای حضور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است.

علیرغم اینکه جمهوری اسلامی ایران از جمله اولین کشورهایی بود که استقلال سیاسی، اقتصادی و ... جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و تلاشهای خود را در جهت ایجاد و گسترش مناسبات با آذربایجان آغاز کرد و در طول سالهای اخیر قراردادهای مهم سیاسی، فرهنگی، اقتصادی بین مقامات دو کشور رد و بدل شده، اما به نظر می‌رسد که یک نوع بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر در دو طرف وجود دارد و همین بی‌اعتمادی باعث شده است با وجود مشترکات فراوان بین دو کشور و تمایل ظاهری دو کشور به افزایش مناسبات دو جانبه، سطح مبادلات دو طرف تا سال 2010 میلادی بنا به اعلام رسمی دستگاه‌های رسمی از مرز 800 میلیون دلار نگذرد؛ رقمی که با توجه به 1000 کیلومتر مرز آبی و خاکی دو کشور چندان چشمگیر و قابل توجه نیست.

دلیل بی‌اعتمادی طرفین به یکدیگر چیست؟ موانع افزایش همکاریهای دو جانبه کدام است؟ و ... سؤالاتی است که همواره مورد توجه کارشناسان منطقه بوده و همواره بدنبال راه حلی برای عبور از این موانع هستند.

جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ ماهیت و هویت ایدئولوژیکی خود در تقابل با قدرتهای بزرگ و در رأس آنها آمریکا قرار گرفت و همین تقابل ایدئولوژیکی باعث شد که ضدیت با نفوذ و توسعه موقعیت آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس توجه مقامات جمهوری اسلامی ایران را به سوی خود جلب کرده و سبب شود که کشورهای پیرامونی دیگر در اولویتهای بعدی سیاست خارجی کشور قرار بگیرند و نگاه به منطقه قفقاز و از جمله جمهوری آذربایجان از آن جمله بود.

به دلیل همین نگاه استراتژیک به منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، منطقه استراتژیکی قفقاز و آذربایجان، جایگاه خود را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دست داد و یا حداقل در اولویتهای درجه چندم قرار گرفت.

نکته بعدی که در خصوص موانع موجود در مورد نگاه جمهوری اسلامی ایران به آذربایجان می‌توان اشاره کرد، این است که به نظر می‌رسد علیرغم اینکه بین نهادهای فعال در عرصه آذربایجان سیاست مدونی تهیه شده، اما در مقام اجرا یک نوع پراکندگی و عدم وحدت رویه بین نهادهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان دیده می‌شود.

مهمترین اقدام مؤثر در کمک به افزایش نفوذ و روابط با جمهوری آذربایجان، بازتعریف موضوع آذربایجان در سطح مسئولین عالی‌نظام و تعریف استراتژی مناسب و پرهیز از رفتارهای جزیره‌ای در خصوص این کشور مهم شیعی است، چراکه جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند بدون توجه به این کشور شیعه‌نشین در جهان اسلام موفق عمل کند.

همگرایی مسئولین نظام و توجه آنها نسبت به موضوع آذربایجان هم می‌تواند ما را به اهداف عالی خود در منطقه قفقاز برساند که دارای موقعیت استراتژیکی و زمینه ساز دسترسی ایران به روسیه و اروپا می‌باشد و هم به اهداف خود در جهان اسلام نزدیک سازد، چراکه جمهوری آذربایجان علیرغم اینکه دارای نظام سیاسی لائیک می‌باشد، مردمی با اکثریت مسلمان و شیعه دارد.

البته در خصوص فعالیت مستقل نهادهای ذیربط در کشور آذربایجان برخی از کارشناسان آن را از نقاط قوت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرده و اعتقاد دارند که معمولاً کشورهای جهان امروز در روابط خود با دیگر بازیگران بین‌المللی از یک الگو پیروی نمی‌کنند بلکه با اتخاذ الگوهای مختلف در کشورها بدنبال رسیدن به منافع خود و تحقق آنها هستند.

باید گفت که فعالیت با الگوهای گوناگون در کشورها در شرایطی جزو نقاط قوت محسوب می‌شود که اولاً نهادهای مختلف بازی همدیگر را بپذیرند و در ثانی سناریوی تعریف شده خود را در تقابل یا تضعیف سناریوی دیگر نهادها و دستگاههای ذیربط تعریف نکرده باشند.

نکته مهم دیگری را که باید در خصوص روابط دو کشور مد نظر قرار داد، موضوع ملاحظات امنیتی می‌باشد.

جمهوری آذربایجان به لحاظ موقعیت استراتژیکی خود - مجاورت با جمهوری اسلامی ایران و روسیه، داشتن دسترسی به اروپا، مجاورت با دریاچه خزر و پتانسیل‌های انرژی این کشور و منابع غنی نفت و گاز و ... - همواره محلی برای رقابتهای و منازعات قدرتهای بزرگ بوده است و هرکدام از قدرتهای بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی برای رسیدن به منافع خود تلاش می‌کنند نفوذ و سیطره خود را بر این جمهوری افزایش دهند.

در سالهای اخیر روسیه، آمریکا، ترکیه، رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران از مؤثرترین بازیگران در عرصه جمهوری آذربایجان بوده‌اند. حضور و نفوذ وسیع قدرتهای فرا منطقه‌ای می‌تواند آسیبهای امنیتی جدی را علیه امنیت ملی کشورمان فراهم سازد.

موضوع دیگری که در خصوص روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان باید مد نظر قرار گیرد این است که جمهوری اسلامی ایران در مقابل جمهوری آذربایجان هیچگاه از سیاست تهاجمی بهره نبرده و همواره با اتخاذ رویکرد خویشتندارانه، در صدد ایجاد یک نوع آرامش و همکاری، در روابط دو کشور می‌باشد.

موضوعاتی که می‌توانست جمهوری اسلامی ایران به لحاظ تاریخی آن را به خوبی تبیین کند و از ظرفیتهای تاریخی آنها بهره برداری کند، همواره از کنار موضوعات فوق‌بדلیل نا مشخص و یا توجیه‌ناپذیر به سادگی عبور کرده و اکنون آذربایجان آن موضوعات فرصت ساز برای ایران را به موضوعاتی تهدیدآمیز علیه ایران تبدیل می‌کند.

مسئله پیوند جغرافیایی کشور در سالهای نه‌چندان دور که با قراردادهای ننگین گلستان و ترکمنچای گسسته شد و مسئله قومیت آذری از جمله موضوعاتی است که جمهوری اسلامی ایران به خاطر نبرداختن و کم‌توجهی نسبت به آنها، آذربایجان را بصورت کاذب در مقام برتر قرار داده و آنها امروز تصورات خیالی خود را در قالب تاریخ به نسل آینده خود منتقل می‌کنند و با تحریف تاریخ و حمایت از پان‌آدریسم، خود را صاحب اصلی منطقه آذربایجان و آذربایجان می‌دانند. حتی الهام علی‌اف در کنفرانس اتحاد ترکها در باکو، خود را رهبر 50 میلیون ترک در جهان معرفی می‌کند.

به نظر می‌رسد اگر جمهوری اسلامی ایران در طول سالهای اخیر بر اساس شاخص‌های اصلی سیاست خارجی خود «عزت، حکمت و مصلحت» از پتانسیل‌های خود برای تبیین موقعیت تاریخی دو

کشور استفاده می کرد امروز آذربایجان، از دو موضوع فوق علیه امنیت ملی ما بهره برداری نمی کردند.

هرچند که جمهوری اسلامی ایران بارها توانمندی خود را در این سناریوهای نخ نما به اثبات رسانده است.

در کنار عدم استقبال و توجه جمهوری اسلامی ایران به اهمیت این جمهوری تازه به استقلال رسیده، یک نوع بی علافتگی و عدم تمایل از طرف آذری به جمهوری اسلامی ایران هم وجود دارد و احساس می شود که مقامات آذری نزدیک شدن به ایران را بعنوان یک تهدید علیه حاکمیت خود ارزیابی می کنند.

نکته اول در بی انگیزگی مقامات آذری نسبت به افزایش همکاریها و مناسبات با جمهوری اسلامی ایران از احساس خطری است که مقامات آذری از عواقب پیوند ملت دو کشور نسبت به خود دارند. ملتی که دارای وجوه مشترک فرهنگی، تاریخی، مذهبی و زبانی هستند و بالاخص که زمانی نه چندان دور در کنار هم و تحت حاکمیت یک حکومت زندگی می کردند. آذربایجان گمان می کنند گسترش روابط دو کشور باعث افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این کشور شده و نظام سیاسی خاص حاکم بر این کشور می تواند زمینه ساز به خطر افتادن دولت لائیک این کشور شود. لذا ترجیح می دهند هم رعایت حقوق همسایگی کنند و از تهدید شدن جمهوری اسلامی ایران علیه خودشان جلوگیری کنند و هم مانع افزایش مناسبات دو ملت شوند.

مصادق بارز این نمونه عدم موافقت دولت آذربایجان برای لغو روادید بین دو کشور است علیرغم اینکه لغو روادید چند سالی است که از سوی مقامات جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. بنابراین بدبینی شدید آذربایجان نسبت به ایران باعث شد که ایران اسلامی همواره بعنوان یک تهدید برای آذربایجان تلقی شود و سیاست ایران هراسی در کنار اسلام هراسی در جمهوری آذربایجان حاصل همین دیدگاه منفی نسبت به ایران است به گونه ای که در آذربایجان کسی به مقام و منصبی نمی رسد مگر اینکه تابلوی ضد ایرانی بودن را با خود یدک بگشود.

نکته دوم در عدم تمایل آذربایجان نسبت به گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران به ماهیت نظام سیاسی این کشور بازمی گردد و مقامات آذری گسترش روابط با نظام سیاسی جمهوری اسلامی را تهدیدی جدی علیه خود تلقی می کنند، لذا اختلافات ایدئولوژیکی موجب بی اعتمادی آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران شده و آنها را به سمت غرب محوری در اتخاذ سیاستها سوق داد.

غرب که به سهولت و با کمترین هزینه نیازمندیهای تکنولوژیکی، نظامی، مخابراتی، کشاورزی و ... آذربایجان محتاج به کمک کشورهای دیگر را تأمین می کرد، زمینه ساز گرایش آذربایجان به سمت غرب شد و ایران اسلامی علیرغم داشتن پتانسیل های مختلف علمی و تکنولوژیکی از عرضه رقابت با غربی ها بازماند و بدین ترتیب هم آذربایجان به اهداف خود در تعامل با غربی ها رسید و هم غربی ها که دنبال فرصت برای حضور در این منطقه مهم بودند به منافع خود با کمترین هزینه رسیدند.

آذربایجان در طول سالهای اخیر تلاش کرده اند از گسترش روابط خود با غربی ها و صهیونیست ها به عنوان اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند و با نزدیکی هر چه بیشتر به رژیم صهیونیستی هم از لابی صهیونیست ها برای حل مناقشه قره باغ استفاده کنند و هم با نزدیک کردن این رژیم به مرزهای ایران، از نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز بالاخص آذربایجان ممانعت بعمل آورند.

موضوع سوم در ابراز تردید آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران، موضوع مناسبات ما با جمهوری ارمنستان است که آذربایجان از این موضوع همواره به عنوان محملی برای واگرایی در روابط فیما بین بهره برداری کرده اند.

آذربایجان که در موضوع مناقشه قره باغ اختلافات دراز مدتی را با ارمنی ها دارند گسترش مناسبات ایران با ارمنستان را بر نمی تابند، لذا دنبال انتقام گیری از ایران و باز گذاشتن دست صهیونیستها در کشورشان علیه جمهوری اسلامی ایران هستند.

آذربایجان مدعی اند تنها دلیل اشغال 20 درصد اراضی این کشور توسط ارمنستان، حمایت های سیاسی، اقتصادی و ... جمهوری اسلامی ایران از ارمنستان است. ادعایی که واقعا ادعا است و پژوهش تاریخی در موضوع مناقشه دو طرف نشان می دهد که اگر حمایت های جمهوری اسلامی ایران از آذربایجان در طول جنگ قره باغ نبود، قطعا بسیاری از نقاط دیگر آذربایجان الان در اشغال ارمنستان بود و جمهوری اسلامی ایران با کمک به آوارگان جنگ، سابقه خوشی را در اذهان ملت آذربایجان از خود به جا گذاشته است. اما مقامات آذری با تحریک احساسات افکار عمومی در رسانه های خود در خصوص روابط ایران با ارمنستان، به ملت خود چنین القا می کنند که ادعای حمایت معنوی جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان ادعایی بیش نیست و مقامات ایرانی با تفکر شونیسیم فارسی تلاش می کنند با کمک ارامنه از قدرت گیری آذربایجان در جمهوری آذربایجان در کوتاه مدت و از اتحاد آذربایجان جهان در بلندمدت جلوگیری کنند.

اما غافل از آن هستند که روزی عدم صداقت و رفتار منافقانه حاکمان با ملتها، زمینه ساز سقوط آنها خواهد بود.

اگر برای آذربایجان روابط ایران با ارمنستان اینقدر ناراحت کننده است چرا آنها در خصوص روابط روبه گسترش روسها با ارمنی ها همواره ساکتند و هیچ واکنشی نه از سوی دولت و نه از سوی مردم نسبت به آن وجود ندارد؟! روابط پنهان تجاری برخی وزرای دولت آذربایجان با دولت ارمنستان چگونه توجیه پذیر است؟ آنجا که کمال الدین حیدر وزیر حوادث امور غیر مترقبه آذربایجان با وزیر دفاع این کشور «صفر ابی اف» مافیای قاچاق انرژی به ارمنستان تشکیل داده و در تأمین انرژی مورد نیاز ارمنستان با یکدیگر رقابت می کنند و مقامات ارمنستان لباس و شراب مورد نیاز آذربایجان را تأمین می کنند.

هیچیک از آذربایجان آن را نمی بینند و عکس العملی نشان نمی دهند. بازی بیلیارد الهام علی اف با سرکیسیان رئیس جمهوری ارمنستان در مسکو به بهانه شرکت در جلسه حل مناقشه قره باغ چگونه از سوی آذربایجان توجیه می شود؟! آنها نسبت به رقابت اقتصادی اعضای دولتشان با ارمنی ها ساکتند اما همواره در خصوص موضوع روابط ایران با ارمنستان سناریو سازی می کنند.

فراکتی دولتمردان آذری از کوتاهی های خود در احقاق حقوق از دست رفته شان در بحران قره باغ برای همیشه نمی تواند افکار عمومی را نسبت به خود بی تفاوت نگه دارد همچنانکه امروز بیداری ملتها در کشورهای مختلف عربی مؤثر این موضوع است که رفتار غیر صادقانه با ملتها روزی موجب خروش آنها برای ساقط کردن حاکمان زورگو خواهد بود.

آذربایجان به جای اینکه همواره روابط ایران با ارمنی ها را تقبیح کنند، سعی نمایند کوتاهی ارتش آذربایجان و در رأس آنها دولتشان را در بازپس گیری سرزمینهای اشغال شده خود جبران کنند.

نتیجه اینکه بررسی مؤلفه های مؤثر در مناسبات دو کشور حاکی از آن است که هر کدام از طرفین در نگاه به پیرامون خود، مسائلی را مورد توجه قرار می دهند که هر کدام از آنها به نوعی برای دو کشور مهم ارزیابی می شود و نمی تواند به سادگی از حاشیه آن عبور کند. اما بنظر می رسد که فقدان استراتژی اجرایی در خصوص جمهوری آذربایجان در طول سالهای اخیر باعث شده است کشوری که می توانست به عنوان یک فرصت برای جمهوری اسلامی ایران باشد و ایران از قبل آن بتواند هم موقعیت خود را در منطقه قفقاز مستحکم کند و هم از مردم مسلمان این کشور حمایت لازم و قاطع را بنماید، امروزه بر اثر بی توجهی و اقدامات جزیره ای به تهدید بالقوه علیه ایران تبدیل شود.

آذربایجان از هر جهت در مقایسه با ارمنستان اهمیت فوق العاده ای دارد و می تواند برای جمهوری اسلامی ایران یک شریک استراتژیک محسوب شود و این در اظهارات مسئولین نظام به وضوح قابل مشاهده است و شکی نیست که با تحقق اظهارات مقامات ایرانی در خصوص افزایش روابط با آذربایجان، افکار عمومی آذربایجان را به بهانه ارتباطات معمولی و کم سطح با ارمنستان از دست نمی دهیم و فضای سنگین ایران ستیزی و شونیسیم فارسی برداشته می شود.

مسئولان آذری باید به این مسئله هم توجه داشته باشند که روند رو به گسترش روابط آذربایجان با رژیم صهیونیستی نه تنها به حل مسائل مبتلا به آنها کمک نخواهد کرد بلکه این روابط ناقص مرزهای تعیین شده در چارچوب استراتژیک سیاست خارجی ایران است و این امر سبب می شود، ایران با رویه ای که در سیاست خارجی خود دارد هیچگاه به آذربایجان به مثابه یک «متحد استراتژیک» ننگرد.

دولتمردان آذری باید توجه کنند که بیداری اسلامی در کشورهای عربی و اسلامی در حال گسترش و سرایت به سایر مناطق جهان است و هر روز بر دامنه تحولات عدالتخواهانه از سوی ملتها حتی در کشورهای غربی افزوده می شود و مطمئن باشند که داشتن روابط حسنه با دولت آمریکا و صهیونیستها نمی تواند نجات بخش دولتها و حاکمان باشد بلکه بهترین الگو تلاش برای ائتلاف با کشورهای منطقه و استفاده از ظرفیتهای کشورهای منطقه برای رسیدن به حقوق خود است.

بنظر می‌رسد مقامات دو کشور آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران باید با تحلیل واقع بینانه از مسائل بین‌المللی و سیاست‌های دراز مدت قدرت‌های غیر منطقه‌ای در منطقه قفقاز در رویه‌های سیاست خارجی خود تجدید نظر کرده، نگذارند مسائل حاشیه‌ای در سطح روابط دو کشور تأثیرات منفی داشته و گروه‌های متقابل از یکدیگر امنیت منطقه را تهدید کنند.